



۱ جولائی ۲۰۱۷

احسان اللہ مایار

## ہلموت کوہل، کانسلر سابق آلمان بہ عنوان اروپائی در شتراسبورگ، فرانسه یاد شد

در تاریخ معاصر اروپا ہلموت کوہل، Helmut Kohl، عکس پائین، کانسلر آلمان غرب و آلمان واحد جایگاہ



خاصی دارد. وی با نام "کانسلر وحدت مجدد آلمان"

در سیاست جهانی مقام خود را تثبیت نموده و شایگان

احترام است.

بعضی مطالبی را کہ از نظر می گذرانید بایست بہ

اطلاع خوانندگان برسائیم کہ از صفحہ "شپیگل آنلاین"

اقتباس شدہ کہ روزمرہ از طریق انترنت بہ علاقمندان

عرضہ می شود.

البته در چوکات این نبشته بعضی یادداشت های از خطرا و چشمدید نیز شامل است کہ در این برهہ زمان بنحوی

می چسبید.

سر نوشتم چنان رقم زده شدہ است کہ در ماه سپتمبر / اکتوبر سال ۱۹۵۳ با آلمان ٹایم رسید و در صدد آن شدم

تا چیزیکی بیآموزم و داشته چیز و یا نا چیز خودرا در خدمت میهن عقب افتاده و فقیرم کہ در آسیا قرار دارد و

بہ مردم نجیب آن کہ طور گل از همه ارزش های رفاه زندگی محرومند، بگذارم.

شهر دوسلدرف اولین شهری از آلمان غرب بود کہ در هوتلی بنام ایدن، Eden، شب اول خود را در خاک اروپا

گذاشتم و در اطاقی داخل بستر ستره و صفایی شدم کہ تا آن زمان در زندگی ندیدہ بودم. جوانی بودم بیست سالہ

کہ دروازه های جهان بہ رویم باز شدہ بود.

دفعتاً صدای بلندی مرا از خواب شیرین بہ دو پا ایستاده کرد و با نظاره در بیرون متوجه شدم کہ در تاریکی

شب صدہا موتر سایکل و مردم بہ صوبی روان استند. زنگ پهلوی بسترم را بہ صدا در آوردم و لحظہ بعد

دختری با یونیفورم کارکنان هتل داخل اطاق شد و سوال کرد: "چی فرمایشی دارم". از ش معلومات خواستم کہ

این سر و صدای مردم روی جاده بہ چی مناسبت است؟ وی نظری انداخت و گفت: هیچ چیزی نیست مردم بالای

کار خود می روند!

این برخورد اولم با زندگی و کار در آلمان غرب آن زمان بود.

آلمان بعد از شکست در جنگ جهانی دوم در قدم اول به دو کشور، آلمان غرب و آلمان شرق و بعدش پایتخت آلمان هتلری به چهار زون و آلمان غرب توسط متحدین، امریکا، اتحاد شوروی، فرانسه و انگلستان به چهار حصه منقسم گردیده که روی جاده ها گزیده موتر های جیب امریکائی با درپوری عسکر امریکا و در پهلویش عسکر شوروی و در سیت عقب عساکر فرانسوی و انگلیسی دیده می شد.

در این نوشته مطلب از نوشت و خوان سرگذشت در اروپا نیست بلکه می خواهم شمه ای در مورد زندگی یک شخصیت بزرگ اروپائی، زاده آلمان، بنویسم و خدمت تقدیم نمایم.



طوریکه در بالا گزارش یافت سال ۱۹۵۳ به آلمان غرب اقامت گزیدم و این زمان با تولد مجدد آلمان شکست خورده در جنگ دوم جهانی بر می خورد. در شهر های آلمان هنوز هم طور واضح زخم های جنگ دیده می شد. بهر شهری که پای می گذاشتم عمارات مخروبه ، استیشن های سرویس و ریل نیمه آباد و فابریکات ایکه حصه ای آن فعال و بالای متباقی آن کار به شدت در جریان بود- به چشم می خورد و بنده در یکی از این فابریکه ها کار می کردم. در رأس اداره کشور شخصی به اسم کنراد ادناور، Konrad Adenauer، اولین کانسلر آلمان غرب از حزب دیموکراتهای مسیحی انتخاب شده بود که وطن خود

را می پرستید و مردم آلمان را فرزندان خود می شمرد. ادناور، عکس پهلو، از سال ۱۹۴۹ ال ۱۹۶۳ کانسلر، صدراعظم آلمان غربی بود که بزرگی آلمان امروزی و نطفه گذاری وحدت اروپا با اشتراک سیاستمداران لکسمبورگی، جوزف بچ، Joseph Bech، یوهن ویلم بیین، Willem Beyen Johann، وینستن چرچل، Winston Churchill، صدراعظم انگلستان ، السیدی دی گاسپری، Alcide de Gasperi، صدراعظم ایتالیا، والتر هلشتین، Walter Hallstein، اولین رئیس کمیسیون اقتصادی اروپائی، سیکو مانسهولد، Siccو Mansholt، دهقان و مبارز هالندی، جین مونت، Jean Monnet، سیاست مدار فرانسوی و مبتکر پلان شومان، روبرت شومان ، Robert Schuman، مهندس وحدت اروپا و پول - هنری سپاک، Paul-Henri Spaak بلجیمی که افق دید وی سرحدی را نمی شناخت، بنیاد گذاشت. (اقتباس از وایکپدیا)

هلموت کوهل در زمان صدارت خود در مبارزات ملت افغان علیه قوای اشغال گر اتحاد شوروی شریک می دانست و در محافل سیاسی از داعیه آزادی خواهی مبارزین افغانی سرسخت دفاع می کرد.

موضوع را به اطالت نکشانیده گزارشی از آژانس خبر رسانی رویترز نقل نموده، امید است که مورد علاقه خوانندگان گرامی قرار گیرد:

"عامل وحدت دو آلمان درگذشت":

به گزارش رویترز، هلموت کوهل، پدر اتحاد دو آلمان و صدراعظم سابق این کشور روز جمعه در ۸۷ سالگی درگذشت. روزنامه بیلد نوشت که کوهل صبح روز جمعه در ساعت ۹ و ۱۵ دقیقه در بستر خود در منزلش لودویگ شافل (در آلمان غربی) فوت کرده است.

مرکل که اصالتا اهل آلمان شرقی است پیشتر در توصیف کوهل گفته بود؛ او کسی است که سرنوشت مرا- با اتحاد دو آلمان- عوض کرد. کوهل نه تنها در عرصه سیاسی آلمان، بلکه در اروپا نیز نقش فعالی بازی کرد. دهم نوامبر ۱۹۸۹ که دیوار برلین فروریخت، وی به عنوان سخنران پشت تریبون رفت. وی از بالکن ساختمان

شاروالی محله «شونه برگ» برلین و در میان هیاهوی اعتراض آمیز گروه‌های چپ فریاد می‌زد: «هدف اتحاد است و حق و آزادی. زنده باد سرزمین پدری، آلمان، زنده باد اروپای آزاد و متحد.» او اما کار سختی در پیش داشت، زیرا چپ‌های آلمان نگران این اتحاد بودند و مشکلات پس از فروپاشی نیز دامن‌گیر وی شد. هلموت کوهل، صدراعظم آلمان غربی، رضایت میخائیل گورباچف، رهبر وقت شوروی سابق را برای اتحاد دو آلمان و خروج نیروهای شوروی از آلمان شرقی جلب کرد. جلب رضایت ضمن قدم زدن باهم دیگر صورت گرفت؛ قدم زدن آنان با هم مشهور است. کمتر از یک سال پس از فرو ریختن دیوار، آلمان شرقی رسماً به آلمان فدرال پیوست. هلموت کوهل گام‌های موثری در تاریخ سیاسی اروپا برداشت. او همواره در تلاش برای شکل‌گیری وحدت اروپا بود.

مشهور بود که هلموت کوهل دارای احساس قدرت بوده است. وی در سن ۲۹ سالگی-۱۹۵۹- وارد مجلس ایالتی «راین‌لاند-فالتس» شد و ۴ سال بعد در این مجلس به مقام ریاست فدراسیون دموکرات مسیحی‌ها رسید. کوهل در سال ۱۹۶۹ به عنوان رئیس دولت ایالت راین‌لاند-فالتس انتخاب شد اما او به همین مقدار بسنده نکرد. تنها دو سال از ریاست او بر دولت ایالتی می‌گذشت که خود را نامزد ریاست حزب دموکرات مسیحی در آلمان کرد، ولی در انتخابات مغلوب راینر بارتسل شد. پس از شکست جنجالی بارتسل در انتخابات ۱۹۷۲، بار دیگر راه برای کوهل گشوده شد. در سال جون ۱۹۷۳ هلموت کوهل در رأس حزب دموکرات مسیحی آلمان رسید. همان زمان گفت: «من قصد دارم صدراعظم شوم. می‌خواهم با پیروزی در انتخابات، صدراعظم شوم.» آرزوی سیاسی کوهل می‌رفت که در سال ۱۹۷۶ به حقیقت بپیوندد اما با اختلاف اندکی آن را از دست داد. ائتلاف سوسیال دموکرات‌ها و لیبرال‌ها به رهبری هلموت اشمیت اما با اختلاف بسیار ناچیزی، گوی سبقت را از کوهل ربود. در سال ۱۹۸۰ و پس از کشمکش‌های شدید در داخل حزب، سرانجام فراننتس یوزف اشتراوس، رهبر حزب سوسیال مسیحی ایالت بایرن که هم پیمان حزب دموکرات مسیحی است، نامزد صدراعظمی آلمان شد. او اما در انتخابات در مقابل اشمیت، نامزد سوسیال دموکرات‌ها، شکست سختی خورد. از این زمان به بعد، هلموت کوهل رهبر بی‌چون و چرای نیروهای اپوزیسیون در آلمان شد. در سال ۱۹۸۲ بدنه حزب سوسیال دموکرات با هلموت اشمیت، صدراعظمی که از همین حزب بود، دچار اختلاف شد. دلیل این اختلاف تصمیم‌گیری‌های اشمیت در مورد مسائل مهم داخلی و خارجی بود. علاوه بر آن، لیبرال‌ها هم که متحد سوسیال دموکرات‌ها بودند، از صدراعظم فاصله گرفتند. در این زمان کوهل وارد میدان شد، با لیبرال‌ها ائتلاف جدیدی به وجود آورد و با کسب اکثریت آرا در مجلس، بر مسند صدراعظمی آلمان غربی تکیه زد. هلموت کوهل تلاش فراوانی برای وحدت دو آلمان کرد، اما مصارف سرسام‌آور پس از آن را دست کم گرفت. پس از فروپاشی شوروی سابق و وحدت دو آلمان، مصارف دولت غیرقابل کنترل شدند و با سرا زیر شدن سیل بیکاران از آلمان شرقی، بیکاری در آلمان به شدت افزایش یافت. با این اوصاف، کوهل دیگر هیچ بختی در انتخابات مجلس آلمان در سال ۱۹۹۸ نداشت. پس از شکست گفت: «ما برای پیروزی در انتخابات به میدان آمدیم، اما شکست خوردیم. شکی نیست که ائتلاف سوسیال دموکرات‌ها و سبزها در انتخابات پیروز شده است. هیچ بحثی در مورد نتایج وجود ندارد.»

در اخیر می‌خواهم مختصر عرض نمایم:

"تنها ملت هائیکه رهبران صادق و وفادار به خاک و مردم خود داشته باشند، می‌توانند با هر مشکلی دست و پنجه نرم کنند و مسلط بر هر امری شوند و بس". ختم